

سرشناسه: بازوند، ابوطالب، ۱۳۶۳ -
عنوان: فقه استدلالی نفت و گاز
تکرار نام پدید آور: نویسندگان: ابوطالب بازوند، مریم کاویانی، ویراستار علمی مسلم خلفی
مشخصات نشر: قم: آوای ابتکار، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۲۵۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۶۰-۳-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت کتابنامه: ص [۲۴۷] - ۲۵۱، همچنین به صورت زیر نویس
موضوع: معدن و ذخایر معدنی (فقه)
معدن: معادن و ابقاعات (فقه)
موضوع: قراردادهای نفت و گاز
موضوع: مالکیت (فقه)
شناسه افزوده: کیدانی، مریم، ۱۳۶۱، نویسنده همکار -
سه اثر در: حوزة علمیة قم - ویراستار
شناسه نزوده: مطهری، مریم، - ویراستار
رده بندی کنگ: ۷۰۱۳۹۶ ف ۲ ب ۶ / ۱۹۸ / ۶ BP
رده بندی سیسی: ۳۷۹ / ۹۰۸
شماره مدرک: ۸۰۰۶۷

فقه استدلالی نفت و گاز

نویسندگان: دکتر ابوطالب بازوند و دکتر مریم کاویانی

ویراستار علمی: دکتر مسلم خلفی / ویراستار ادبی: مریم خدایاری

ناشر: آوای ابتکار

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۶۰-۳-۲

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤلفان محفوظ است

قم، خیابان صفائییه، کوچه ۲۸، کوی جلالزاده، فرعی اول، پلاک ۶۹، تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۶۵۶۷

فقه استدلالی نفت و گاز

www.Ketab.ir

دکتر ابوطالب بازوند

دکتر مریم کایدانی

بادرود فراوان و تقدیم به:

روح پر فتوح پدر بزرگوار و مادر عزیزم
که بود جز هدیه وجودشان نیست.

مریم کایدانی

بادرود و تقدیم به:

تجسم متانت و بردباری، پدرم
و الگوی عشق و فداکاری، مادرم

ابوطالب بازو بند

فهرست مطالب

۷ مقدمه
۱۳	فصل اول: واژه‌شناسی و تحلیل مفهومی
۱۴	۱. واژه‌شناسی و تحلیل مفهومی
۱۴	۱-۱. گفتار اول: تعریف فقه، فقه استدلالی و فقه غیر استدلالی
۱۸	۱-۲. گفتار دوم: نفت
۱۹	۱-۳. گفتار سوم: نفت در جا
۲۰	۱-۴. گفتار چهارم: رم: معدن
۲۱	۱-۵. گفتار پنجم: امدان ظاهری و معدن باطنی
۲۴	۱-۶. گفتار ششم: امدان
۲۷	۱-۷. گفتار هفتم: فیء
۲۸	۱-۸. گفتار هشتم: حیمت
۲۹	۱-۹. گفتار نهم: مباحث
۳۱	۱-۱۰. گفتار دهم: مشترکات عامه
۳۳	۱-۱۱. گفتار یازدهم: اراضی مفتوحه عنود
۳۵	فصل دوم: مالکیت انفال و معدن
۳۶	۲. مالکیت انفال و معدن
۳۶	۲-۱. گفتار اول: مصادیق انفال
۳۷	۲-۲. گفتار دوم: انفال در قرآن
۴۷	۲-۳. گفتار سوم: انفال در روایات
۵۱	۲-۴. گفتار چهارم: حکم انفال
۷۰	۲-۵. گفتار پنجم: مالکیت غنایم
۷۰	۲-۶. گفتار ششم: مالکیت معدن ظاهری و باطنی
۱۰۳	فصل سوم: مالکیت نفت و گاز در منابع فقهی
۱۰۴	۳. مالکیت نفت و گاز در منابع فقهی
۱۰۴	۳-۱. گفتار اول: نفت و گاز در قرآن و روایات
۱۱۵	۳-۲. گفتار دوم: مالکیت معدن نفت و گاز از نظر دلایل عقلی

- ۳-۳. گفتار سوم: ظاهری و باطنی بودن معادن نفت و گاز از منظر فقه..... ۱۱۸
- ۳-۴. گفتار چهارم: انفال یا مباحات بودن نفت و گاز..... ۱۲۴
- فصل چهارم: نفت و گاز در فقه عقود و ایقاعات..... ۱۳۵
۱. نفت و گاز در فقه عقود و ایقاعات..... ۱۳۶
- ۴-۱. گفتار اول: فروش نفت و گاز مبتنی بر کلیاتی از قرآن و روایات..... ۱۳۹
- ۴-۲. گفتار دوم: معاملات نفت و گاز در دلایل عقلی..... ۱۴۶
- ۴-۳. گفتار سوم: معاملات غرری نفت و گاز..... ۱۴۸
- ۴-۴. گفتار چهارم: معاملات ربوی نفت و گاز..... ۱۵۲
- ۴-۵. گفتار پنجم: غبن در قراردادهای نفتی و گازی..... ۱۶۲
- ۴-۶. گفتار ششم: بیع کلی یا «پیمان‌های آبی» در معاملات نفتی و گازی..... ۱۷۲
- ۴-۷. گفتار هفتم: بیع سلم در معاملات نفتی و گازی..... ۱۸۱
- فصل پنجم: جایگاه بازمانده‌ی بین‌المللی مانند اوپک در فقه..... ۱۸۷
۵. جایگاه سازمان‌های بین‌المللی مانند اوپک در فقه..... ۱۸۸
- ۵-۱. گفتار اول: مستندات فقهی بیع بین‌المللی..... ۱۸۸
- ۵-۲. گفتار دوم: مستندات خاص مبنی بر بیع بین‌المللی..... ۱۹۲
- فصل ششم: فسخ و اقاله معاملات نفتی و گازی..... ۱۹۹
۶. فسخ و اقاله معاملات نفتی و گازی..... ۲۰۰
- ۶-۱. گفتار اول: فسخ معاملات نفتی و گازی..... ۲۰۰
- ۶-۲. گفتار دوم: اقاله قراردادهای نفتی و گازی..... ۲۱۱
- فصل هفتم: لزوم یا عدم لزوم ابتدای نفت و گاز بر قواعد بیع فقهی..... ۲۲۱
۷. لزوم یا عدم لزوم ابتدای نفت و گاز بر قواعد راجع فقهی..... ۲۲۲
- ۷-۱. گفتار اول: احکام حکومتی..... ۲۲۳
- ۷-۲. گفتار دوم: حفظ نظم عمومی..... ۲۲۴
- فصل هشتم: نتایج و یافته‌های پژوهش..... ۲۲۶
۸. نتایج و یافته‌های پژوهش..... ۲۳۰
- منابع..... ۲۴۷

مقدمه

کتابها و نوشته‌های فقهی در دو دسته کلی جای می‌گیرند: برخی از آنها مشتمل بر احکام فقهی بدون سار به دلایل آن است. مانند رساله‌های عملیه مراجع تقلید و مجموعه اسناد ائمه ولی‌الامر از نوشته‌های فقهی علاوه بر بیان حکم مسأله فقهی، مسیر استدلالی و مبرور را نیز در برابر خواننده خود قرار می‌دهند. نوع دوم از نوشته‌های فقهی را اصطلاحاً «فقه استدلالی» می‌نامند و بیشتر برای استفاده دانش‌جویان پژوهش‌گزار فقه و حقوق عرضه می‌شوند.

از سوی دیگر، موضوعات و مسایل نفت و گاز چه در عرصه فقه استدلالی و چه در عرصه فقه غیر استدلالی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این امر می‌تواند تا آن جا ناشی شده باشد که فقها در تبیین «گستره فقه» دیدگاه واحدی ندارند. برخی دایره آن را به قدری گسترش می‌دهند که مبتنی بر آن، فقه در هر موضوعی منعقد می‌تواند. این باورند که فقه توانایی اظهار نظر در هر زمینه‌ای ندارد و گروهی بر این باورند که

حتی اگر این توان را داشته باشد، توجیه مناسبی برای ورود فقه در هر عرصه‌ای وجود ندارد. از دیدگاه این دسته از فقها اساساً لزومی ندارد جایگاه فقهی هر مسأله‌ای را با کرد و در مسیر ابتدای آن بر پایه‌های استدلالی فقه تلاش کرد.

نفت و گاز نیز مبتنی بر مطلب فوق در بستر این مناقشه قرار می‌گیرد که آیا فقه می‌تواند مسائل حیاتی و جدی نفت و گاز را بر مبنای قالب آموزه‌های سنتی پاسخ دهد؟ فصل نماید یا نه. و در صورت مثبت بودن پاسخ مزبور آیا لازم است چنین مسأله‌ای را در چارچوب قواعد سنتی و مرسوم فقه گنجانند.

بنابر این مسأله اصلی سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا می‌توان اکتشاف، استخراج، تولید و استفاده از نفت و گاز را بر پایه اصول و مبانی سنتی فقه، مستند و مستدل نمود؟ نوشتار حاضر ضمن پاسخ به این سؤال اساسی فوق، در صدد آنست که به سوالات زیر نیز پاسخ دهد.

۱. آیا می‌توان نفت و گاز را مصداق ارفقال دست؟
۲. آیا نفت و گاز موجود در زمین را باید معدن ظاهر یا معدن باطنی؟ در هر صورت معادن نفت و گاز تحت تملک چه کسی است؟ آیا تابعی از ملکیت زمین خواهد بود؟ یعنی اگر زمین مزبور مالک شخصی داشته باشد، معدن نفت و گاز مزبور نیز تحت تملک مالک زمین در خواهد آمد؟ اینک مال عموم مردم است و یا اینکه مال حاکم اسلامی است؟
۳. آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که بتوان مورد استناد در تعیین مالکیت نفت و گاز قرار گیرد؟
۴. آیا در روایات اشاره به موضوع نفت و گاز و به ویژه مالکیت آن شده است؟

۵. دیدگاه فقه در باره قراردادهای نفت و گاز چیست؟
 ۶. آیا نفت و گاز را می‌توان در قالب قراردادهای سنتی کالی به کالی یا بیع سلف یا سلم و مانند آن جای داد؟

۷. دیدگاه فقه در باره غرر و غبن در معاملات نفتی و گازی چیست؟
 ۸. آیا فقه معاملات نفتی و گازی ربوی را مانند سایر معاملات ربوی باطل و

حرام می‌داند؟

۹. معاملات نفتی و گازی در چه صورتی پایان می‌یابد؟
 ۱۰. تأثیر فسخ و اقاله در معاملات نفتی چیست و آیا بین اقاله و فسخ در این باره تفاوتی وجود دارد؟

۱۱. دیدگاه فقه در باره سرمایه‌های بین‌المللی نفتی و گازی مانند اوپک چیست؟ آیا تصمیمات آن‌ها برای کشورهای عضو الزام فقهی می‌آورد؟ به عبارت دیگر اگر کشوری در راجب مقررات اوپک خارج شد، می‌توان اقدام آن کشور را خلاف شرع و حرام دانست؟

۱۲. آیا می‌توان مستند به مصالح عامه یا حفظ نظم عمومی وضعیت مالکیت و معاملات نفتی را روشن نمود؟

پاسخ به سؤال‌های فوق و برخی سؤال‌های نهفته در متن کتاب، وظیفه سنگین نوشتار حاضر است.

فرضیه پژوهش حاضر این است که «فقه نفت گاز را گرچه می‌توان بر مبنای منابع اولیه و معهود فقه سنتی مستدل و مستند نمود، اما لزومی برای این کار نیست؛ بلکه مبتنی بر مبانی نوینی مانند مصلحت عامه مردم و نظم عمومی جامعه می‌توان حدود و ثغور مالکیت و معاملات نفتی را تعیین نمود».

نویسندگان این اثر بر این باورند که در حوزه نفت و گاز ضمن آنکه می‌توان آن را بر مبنای سنتی و مرسوم فقهی استوار نمود، اما برای این کار لزومی نمی‌بیند؛ زیرا آنچه واجد منابع و مبنای است که قدرت کافی برای ترسیم حدود و احکام و مقررات آن را داراست. به دیگر سخن اگر قراردادهای نفتی در چارچوب قراردادهای بین‌المللی بیع کالا و مبتنی بر شیوه خردمندان و متخصصان جهانی این امر انعقاد یابد، به این معنی نیست که خارج از چارچوب فقه صورت گرفته است. بلکه بررسی احکام اسلامی تأییدی بوده و مبنای منبع عقلانی دارد. به عبارت روشن‌تر در اینجا در کنار کتاب و سنت نقش پر اهمیتی ایفا می‌کند.

بر این اساس در نوشتار حاضر در فصول آغازین کتاب تلاش شده است که مسایل نفت و گاز در چارچوب قواعد و آوازه‌های سنتی فقهی مورد مطالعه قرار گیرد. و در فصول پایانی کتاب، و به خصوص در این اقدام مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شده است.

بر این اساس در فصل اول نوشتار زیر عنوان «واژه‌شناسی و تحلیل مفهومی» واژه‌ها و عبارت‌هایی مانند فقه، فقه استدلالی، نفت، گاز، دریا، معدن، معادن، ظاهری و باطنی، انفال، فیء، غنیمت، مباحات، مشترکات عامه و انحصاری مفتوحه عنوه، تبیین و مفهوم هر کدام از آن‌ها توضیح داده شده است.

در فصل دوم زیر عنوان «مالکیت انفال و معادن» که به عنوان پیش نیاز فصول بعدی به صورت جدی نیازمند مذاقه می‌باشد، به مسایلی مانند مصادیق انفال، انفال در قرآن، انفال در روایات، حکم شرعی انفال، مالکیت غنایم، مالکیت معادن، ظاهری و باطنی، رابطه معادن و انفال، رابطه انفال و فیء، رابطه انفال و مباحات عامه و رابطه این دو با معادن مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است.

در فصل سوم با عنوان «مالکیت نفت و گاز در منابع فقهی» مباحثی مانند نفت و گاز در قرآن و روایات، نفت و گاز در دلیل عقلی و نیز بررسی مالکیت نفت و گاز مبتنی بر بنای عقلا، همچنین ظاهری یا باطنی بودن معادن نفت و گاز بر اساس نه اسلامی و النهایه انتقال یا مباحات بودن نفت و گاز مورد مذاقه قرار گرفته است.

در فصل چهارم با عنوان «نفت و گاز در آینه عقود و ایقاعات» مباحث فقهی معاملات نفت و گاز مورد مطالعه قرار گرفته و گفته شده است که آیا در قرآن و روایات مستندات وجود دارد که بتوان فقه معاملات نفت و گاز را بر پایه آن استوار نمود یا خیر. پس از آن به معاملات نفت و گاز در دلایل عقلی مورد مذاقه قرار گرفته است. آنگاه مصادیق خاص معاملات که در فقه برجسته شده و به صورت جدی در باره آن بحث شده در اینجا نیز با صورت جداگانه مورد بحث قرار گرفته است. به عنوان مثال معاملات غرض نفتی و گازی، سخن در معاملات نفتی و گازی، معاملات ربوی نفتی و گازی و بیع نفتی یا معاملات آتی در بازار نفت و گاز به صورت خاص و مفصل مورد مطالعه قرار گرفته است.

در فصل پنجم با عنوان «جایگاه فقهی سازمان‌های بین‌المللی مانند اوپک» به این سوال پاسخ داده شده است که آیا اسلام برای معاهدات و تعهدات بین‌المللی که در قالب سازمان‌های بین‌المللی به طور عام و سازمان‌های بین‌المللی نفتی و گازی به طور خاص جایگاهی قایل شده است یا خیر. به عبارت دیگر اوپک برای هر یک از اعضا سقفی در تولید تعیین نمود، آیا رعایت این سقف واجب و تخطی از آن حرام است یا خیر. در این فصل ابتدا آیات و روایاتی آورده شده است که با وصف عمومیت و کلیتشان می‌توانند مورد استناد و وجوب رعایت مفاد هر یک از آنها قرار گیرند. آنگاه به آیات و روایاتی اشاره شده است که به طور خاص

می‌تواند مستند قوی برای وجوب تعهد به مفاد پیمان‌های بین‌المللی باشند. در فصل ششم با عنوان «فسخ و اقاله در معاملات نفتی و گازی» به دو موضوع مهم فسخ و اقاله در این معاملات و نیز آثار فقهی مترتب بر فسخ و اقاله معاملات نفتی و گازی مورد پژوهش قرار گرفت است.

در فصل پایانی و هفتم کتاب به «لزوم یا عدم لزوم ابتدای نفت و گاز بر قواعد معروف فقهی»، پرداخته و ثابت نموده است که گنجاندن مباحث مهمی مانند نفت و گاز در غالب آیه‌های سنتی و رایج فقه گو اینکه ممکن است اما چندان لزومی ندارد.